

بررسی شرایط ارزشمندی محبت به اهل بیت علیهم السلام

□ محمدتقی قاضی *

چکیده

محبت به اهل بیت علیهم السلام امری است که به عنوان اجر رسالت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله قرار داده شده است؛ اما به این موضوع در جامعه کمتر توجه می شود و مسلمین در ادای اجر رسالت کوتاهی می کنند و به اظهار و ابراز ظاهری و غیر مخلصانه اکتفا می گردد در حالی که برای ارزشمندی محبت به اهل بیت علیهم السلام که معادل اجر رسالت است، در قرآن و روایات شرائط متعددی بیان شده اند که پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی این موضوع را مورد بررسی قرار داده و معلوم شد که این محبت اهل بیت علیهم السلام وقتی ارزشمند و دارای نتیجه است که واقعی و مخلصانه باشد و دوستی آنها به خاطر خدا باشد و همچنین از دشمنان اهل بیت علیهم السلام دشمنی باشد و از خدا و رسول صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، اطاعت و پیروی شود. **کلیدواژه ها:** محبت، ارزشمندی، دنیا، آخرت، روایات، قرآن، اهل بیت علیهم السلام.

مقدمه

انسان موجودی است اجتماعی و دارای نیازهای اساسی از قبیل محبت، تأمین امنیت، احترام و تکریم... و یکی از اساسی‌ترین نیاز انسان پس از نیازهای زیستی مثل غذا و آب و... نیاز به محبت است. در دنیای امروز که بدبینی و کینه‌توزی، خشونت و ترور بر جهان حکومت می‌کند، جامعه بشری بیش از هر زمانی احساس نیاز به کیمیای محبت دارد.

کیمیای محبت، اصلی‌ترین عامل تنش‌زدایی در سطح بین‌الملل و تنها راه رسیدن به صلح همه‌جانبه و فراگیر است. اما باید توجه داشت که تنها با سخن و شعار و گفتگو، نمی‌توان به این کیمیا دست یافت. راه دستیابی به این کیمیا، خودسازی و اصلاح فرهنگ عمومی است.

محبت به اهل بیت (علیهم‌السلام) که یکی از فرایض اسلامی است، و ریشه در متن آیات قرآن کریم و فرمایشات رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) دارد و مورد خواست و فرمان الهی است و اینکه قرآن، دوستی و محبت به اهل بیت (علیهم‌السلام) را اجر رسالت، راه رسیدن به خدا و مهم‌ترین چیزی که در روز قیامت از آن سؤال می‌شود، معرفی کرده است.

محبت و دوستی به اهل بیت (علیهم‌السلام) بهترین و کوتاه‌ترین راه برای تهذیب نفس و اصلاح اخلاق و کسب فضایل سرشت انسانی است. از همین روست که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) جز دوستی و محبت اهل بیتش چیزی نخواست است. «بگو من هیچ پاداش از شما (بر رسالتم) در خواست نمی‌کنم مگر دوستی نزدیکانم»، پس معلوم می‌شود که محبت دارای آثار و فوائد در دنیا و آخرت می‌باشد ولی این اینها هم مشروط به شرائط متعددی اند که تحقیق حاضر همان شرائط ارزشمندی محبت به اهل بیت (علیهم‌السلام) را مورد تحلیل و بررسی قرار داده است.

۱. مفاهیم و کلیات

اینجا مفهوم و معنی واژگان محبت و اهل بیت از منظر لغت و اصطلاح مورد بیان و بررسی قرار می‌گیرد:

۱-۱. محبت در لغت

راغب در مفردات معنی محبت را «اراده ما تراه او تظنه خیرا» اراده به آنچه که آن را خیر

می‌بینی و یا خیر می‌پنداری، می‌داند و برای آن وجوه سه گانه ذیل را بیان می‌کند: محبتی که به جهت لذت پدید می‌آید، مانند دوستی‌ای که میان زن و مرد ایجاد می‌شود. محبتی که به جهت منفعت و سود ایجاد می‌شود، مانند دوستی چیزی که از آن نفعی حاصل انسان می‌شود. محبتی که به جهت فضل پدید می‌آید، مانند محبتی که برخی اهل علم نسبت به برخی دیگر به جهت دارا بودن مراتب علمی دارند. راغب درباره کسانی که محبت را به اراده تفسیر کرده‌اند، می‌گوید محبت کامل‌تر و رفیع‌تر از اراده است، چه آن که هر محبتی اراده است و حال آن که هر اراده‌ای محبت نیست. ابوحامد غزالی محبت را «میل النفس الى الشيء الموافق» (غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۴، ص ۳۲۷) و بیضاوی آن را «میل القلب» (بیضاوی، انوار التنزیل و اسرار التاویل، ج ۱، ص ۲۰۶) تعریف می‌کند. در مجموع می‌توان گفت: محبت، گرایش و علاقه‌مندی انسان به چیزی است که آن را سازگار با طبع خود می‌بیند و در این میل و علاقه‌مندی، ملازمت و ثبات از اوصاف و شرایط اصلی آن به شمار می‌رود (علی رافعی، محبت در قرآن و حدیث، ص ۴۲).

۲-۱. محبت در اصطلاح

ابوالقاسم قشیری در رساله خود به ارائه موارد فراوانی از دیدگاه‌های مطرح شده درباره معنای محبت پرداخته است که از آن جمله است:

- میل دائمی همراه با قلبی سرگشته؛
- موافقت با محبوب در غیبت و حضور
- محو شدن صفات محب و اثبات ذات محبوب
- جایگزینی صفات محبوب به جای صفات محب
- مقدم داشت محبوب بر همه مصاحبان و مونسان (قشیری، الرسالة القشیری، ج ۲، ص ۶۱۴-۶۲۳).

برخی محبت را علاقه‌ای قلبی میان عبد و معبود دانسته‌اند و یادآور شده‌اند که محبت، نخستین وادی از وادی‌های فناست و نخستین چیزی که در این وادی سالک سلب می‌گردد، علاقه به غیر است. محبت عقبه‌ای است که سالک از گذشته، به منازل محو می‌رسد. در سیر

الی الله محبت عنوان راه را دارد. محبت نشان خاص سالک الی الله است و شرط صحت عبودیت سالک، وجود محبت است (انصاری، منازل السائرین، ص ۷۱).

صدرالمآلهین شیرازی در باب معنای محبت می نویسد: «ان المحبة و ما یرادفها بی وضع اللسان عبارة عن الابتهاج بالشیء الموافق سواء كان عقلياً او حسياً او مظنوناً»؛ محبت و آنچه مرادف آن است عبارت است از احساس بهجت نسبت به شیء موافق اعم از آن که آن شیء، عقلی، حسی حقیقی یا ظنی باشد (شیرازی (صدر المآلهین)، المبدأ و المعاد، ص ۱۵۵).

علامه طباطبایی نیز محبت را نوعی تعلق و وابستگی ویژه و جذب شدن آگاهانه خاص بین انسان و کمال او می دانند که عبارت است از تعلق وجود بین محب و محبوب و به عبارت دیگر بین علت کامل کننده و معلول کامل شونده (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۱۰ - ۴۱۱). به طور کلی می توان محبت را می توان ودیعه ای اهلی، فطری و ساری در همه موجودات دانست که موجبات حرکت در بستر کمال را برای آنان فراهم می آورد (علی رافعی، محبت در قرآن و حدیث، ص ۴۵).

۳-۱. واژه اهل بیت در لغت

واژه «اهل بیت» از نظر لغوی مرکب است از «اهل» و «بیت» اهل به معنای خانواده، خویشاوندان، قوم و خویش، ایل و تبار، همسر (در حال مضاف)، ملت، پیروان، دارای صلاحیت و مستحق آمده است (آذرتاش آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، ذیل ماده اهل).

راغب اصفهانی درباره معنای (اهل) می گوید: به هر کس که با دیگری از جهت نسب و دین و یا امثال آنها مانند پیشه و خانه و شهر یکی باشد اهل گفته می شود و اهل مرد در اصل به کسانی گفته می شود که با او در یک خانه باشند و سپس مجازاً به کار رفت و اهل بیت به طور مطلق به می رود، خاندان پیامبر ﷺ مراد خواهد بود؛ چون خداوند می فرماید: «إِنَّمَا يَرِيْدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (سوره احزاب، آیه ۳۳).

راغب می گوید: «بیت» به معنای خانه، ساختمان، محل خواب و خانواده است (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ذیل ماده اهل).

۴-۱. اهل بیت (علیهم السلام) در اصطلاح

در اصطلاح مسلمانان، مقصود از «اهل بیت» پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله) و خاندان او هستند گرچه در مصداق خاندان آن حضرت، بین پیروان مذاهب اسلامی اختلاف نظرهایی وجود دارد. شیعیان بر اساس آیه تطهیر و روایات منقول از پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) اهل بیت را منحصر در پیامبر (صلی الله علیه و آله)، فاطمه زهرا (علیها السلام)، علی (علیه السلام)، و یازده تن از فرزندان معصوم آنان (علیهم السلام) می دانند (سید جعفر مرتضی عاملی، اهل البیت فی آیه التطهیر).

۲. اهمیت محبت اهل بیت (علیهم السلام) از منظر قرآن

در قرآن کریم ۸۴ مرتبه لفظ «حُبِّ» با مشتقات آن ذکر شده است، اینجا برخی از مهم ترین کاربردهای قرآنی و مصادیق محبت مورد بیان قرار می گیرد:

۲-۱. محبت اهل ایمان

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِندَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ (سوره بقره، آیه ۱۶۵). و برخی از مردم به جای خدا معبودهایی انتخاب می کنند که آنها را آن گونه که سزاوار است خدا را دوست داشت، دوست می دارند ولی آنان که ایمان آورده اند، محبت و عشقشان به خدا بیشتر و قوی تر است و اگر کسانی که [با انتخاب معبودهای باطل] ستم روا داشتند، هنگامی که عذاب را ببینند، بی تردید بفهمند که همه قدرت ویژه خداست [و معبودهای باطل، هیچ و پوچ اند] و خدا سخت کیفر است.

۲-۲. بخشش مال

لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَا كِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَءَاتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَءَاتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَ

حِينَ الْبَاسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (سوره بقره، آیه ۱۷۷).
 نیکوکاری آن نیست که روی به جانب مشرق یا مغرب کنید (چه این چیز بی اثری است) لیکن نیکوکاری آن است که کسی به خدای عالم و روز قیامت و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیغمبران ایمان آرد و دارایی خود را در راه دوستی خدا به خویشان و یتیمان و فقیران و در راه ماندگان و گدایان بدهد و در آزاد کردن بندگان صرف کند، و نماز به پا دارد و زکات مال (به مستحق) بدهد، و نیز نیکوکار آن اند که با هر که عهد بسته اند به موقع خود وفا کنند و در حال تنگدستی و سختی و هنگام کارزار صبور و شکیا باشند. (کسانی که بدین اوصاف آراسته اند) آنها به حقیقت راست گویان و آنها به حقیقت پرهیزکارانند.

۲-۳. شر در محبت مجازی

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَ هُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَ عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ عَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئاً وَ هُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (سوره بقره، آیه ۲۱۶)؛
 حکم جهاد بر شما مقرر گردید و حال آنکه بر شما ناگوار و مکروه است، لکن چه بسیار شود که چیزی را مکروه شمارید ولی به حقیقت خیر و صلاح شما در آن بوده، و چه بسیار شود چیزی را دوست دارید و در واقع شر و فساد شما در آن است، و خدا (به مصالح امور) داناست و شما نادانید.

۲-۴. محبت مادی

زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَ الْبَنِينَ وَ الْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَ الْأَنْعَامِ وَ الْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَاَبِ (سوره آل عمران، آیه ۱۴).
 مردم را حب شهوات نفسانی، از میل به زن ها و فرزندان و همیان هایی از طلا و نقره و اسب های نشان دار نیکو و چهارپایان و مزارع در نظر زیبا و دل فریب است، (لیکن) اینها متاع زندگانی (فانی) دنیاست و نزد خداست منزل بازگشت نیکو.

۲-۵. علامت محبت

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (سوره آل عمران، آیه ۳۱). بگو (ای پیغمبر): اگر خدا را دوست می‌دارید مرا پیروی کنید تا خدا شما را دوست دارد و گناه شما را ببخشد، و خدا آمرزنده و مهربان است.

۲-۶. حقیقت نیکوکاران

لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (سوره آل عمران، آیه ۹۲)؛ «شما هرگز به مقام نیکوکاران و خالصان خدا نخواهید رسید مگر از آنچه دوست می‌دارید و محبوب شماست در راه خدا انفاق کنید، و آنچه انفاق کنید خدا بر آن آگاه است.

۲-۷. دوستی درست و نادرست

هَآأَنْتُمْ أَوْلَاءُ تُحِبُّونَهُمْ وَ لَا يُحِبُّونَكُمْ وَ تُوْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُوا ءَامِنًا وَ إِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمُ الْأَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُؤْمِنُوا بِغَيْظِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (سوره آل عمران، آیه ۱۱۹)؛ آگاه باشید، چنانچه شما آنها را دوست می‌دارید آنان شما را دوست نمی‌دارند، و شما به همه کتب آسمانی ایمان دارید، و آنها در مجامع شما اظهار ایمان کرده و چون تنها شوند از شدت کینه بر شما سرانگشت خشم به دندان گیرند. بگو: بدین خشم بمیرید، همانا خدا از درون دل‌ها آگاه است.

۲-۸. دوستی کاذب

وَ قَالَتِ الْيَهُودُ وَ النَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَ أَحِبُّوهُ قُلْ فَلِمَ يَعْذِبُكُم بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَ يَعْذِبُ مَن يَشَاءُ وَ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ (سوره مائده، آیه ۱۸)؛ یهود و نصاری گفتند: ما پسران خدا و دوستان اویم. بگو (ای پیغمبر): اگر چنین است پس او چرا شما را به گناهانتان عذاب می‌کند؟ بلکه شما هم بشری هستید از آنها که خدا خلق کرده، هر

که را بخواهد می‌بخشد و هر که را بخواهد عذاب می‌کند، و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آنها است از آن خداست و بازگشت همه به‌سوی اوست.

۹-۲. چهار صفت دوست خدا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (سوره مائده، آیه ۵۴)؛ ای گروهی که ایمان آورده‌اید، هر که از شما از دین خود مُرتد شود به‌زودی خدا قومی را که بسیار دوست دارد و آنها نیز خدا را دوست دارند و نسبت به مؤمنان سرافکنده و فروتن و به کافران سرافراز و مقتدرند (به نصرت اسلام) برانگیزد که در راه خدا جهاد کنند و (در راه دین) از نکوهش و ملامت احدی باک ندارند. این است فضل خدا، به هر که خواهد عطا کند و خدا را رحمت وسیع بی‌منتهاست و (به احوال همه) دانا است.

۱۰-۲. دوست نداشتن فناپذیر

فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَىٰ كَوْكَبًا قَالَ هَٰذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أَحِبُّ الْآفِلِينَ (سوره انعام، آیه ۷۶)؛ «پس چون شب بر او نمودار شد ستاره درخشانی دید، گفت: این پروردگار من است. چون آن ستاره غروب کرد گفت: من چیزهای غروب‌کردنی و ناپدیدشدنی را دوست ندارم (به خدایی نخواهم گرفت)».

۱۱-۲. دوست نداشتن ناصحان

فَتَوَلَّىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رَسُولَ رَبِّي وَ نَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تَحِبُّونَ النَّاصِحِينَ (سوره اعراف، آیه ۷۹)؛ پس (چون علایم عذاب رسید) صالح از آنان روی گردانید (و از ایمان آنها ناامید شد) و گفت: ای قوم، من ابلاغ رسالت از خدای خود نمودم و شما را نصیحت کردم لیکن شما (از جهل و غرور) ناصحان را دوست نمی‌دارید.

۱۲-۲. عذاب برای دوستی نکردن خدا و رسول

قُلْ إِنْ كَانَ ءَابَاؤُكُمْ وَ آبَاؤُكُمْ وَ إِخْوَانُكُمْ وَ أَزْوَاجُكُمْ وَ عَشِيرَتُكُمْ وَ أَمْوَالٌ

اَفْتَرَقْتُمُوهَا وَ تَجَرَّةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَ مَسَاكِينٌ تَرَضُّونَهَا أَحَبُّ إِلَيْكُمْ مِّنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ جِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرٍ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (سوره توبه، آیه ۲۴)؛ (ای رسول ما امت را) بگو که اگر شما پدران و پسران و برادران و زنان و خویشاوندان خود و اموالی که جمع آورده اید و مال التجاره ای که از کسادی آن بیمناکید و منازلی را که به آن دل خوش داشته اید بیش از خدا و رسول و جهاد در راه او دوست می دارید منتظر باشید تا خدا امر خود را جاری سازد (و اسلام را بر کفر غالب و فاتح گرداند و شما دنیا طلبان بدکار از فعل خود پشیمان و زیانکار شوید) و خدا فساق و بدکاران را هدایت نخواهد کرد.

۱۳-۲. الهام دوستی

أَنْ أَفْذِيهِ فِي التَّابُوتِ فَأَفْذِيهِ فِي الْيَمِّ فَلْيَلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِّي وَ عَدُوٌّ لَهُ وَ أَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِّنِّي وَ لَتُضْنَعَ عَلَيَّ عَيْنِي (سوره طه، آیه ۳۹)؛ که کودک خود را در صندوقی گذار و به دریا افکن و باید که امواج دریا کودک را به ساحل رساند تا دشمن من و آن طفل (یعنی فرعون) از دریا طفل را برگیرد؛ و من به لطف خود از تو بر دل ها (ی دشمن و دوست) محبت افکنم (تا تو را دوست بدارند) و تا تربیت و پرورشت زیر نظر من انجام گیرد.

۱۴-۲. دوست داشتن بخاطر خدا

فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ (سوره ص، آیه ۳۲)؛ در آن حال گفت: (افسوس) که من از علاقه و حب اسب های نیکو از ذکر و نماز خدا غافل شدم تا آنکه آفتاب در حجاب شب رخ بنهفت.

۱۵-۲. محبت اعطایی است

وَ اعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُمْ وَ لَا كِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَ زَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ كَرَّمَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ (سوره حجرات، آیه ۷)؛ و بدانید رسول خدا در میان شماست، که اگر در بسیاری از امور رأی شما را پیروی کند خود به رنج و زحمت می افتد و لیکن خدا مقام

ایمان را محبوب شما گردانید و در دل هایتان نیکو بیاراست و کفر و فسق و معصیت را زشت و منفور در نظران ساخت. اینان به حقیقت اهل صواب و هدایت اند.

۱۶-۲. دوست داشتن مومنین

وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يَحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوَفِّ شَخْ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (سوره حشر، آیه ۹)؛ و هم آن جماعت انصار که پیش از (هجرت) مهاجرین (در مکه به رسول ایمان آوردند و) مدینه را خانه ایمان گردانیدند و مهاجرین را که به سوی آنها آمدند دوست می دارند و در دل خود هیچ حاجتی (و حسد و بخلی) نسبت به آنچه (از غنائم بنی نضیر) که به آنها داده شد نمی یابند و هر چند به چیزی نیازمند باشند باز مهاجران را بر خویش مقدم می دارند (و) جانیشان به کلی از بخل و حسد و حرص دنیا پاک است) و هر کس را از خوی بخل و حرص دنیا نگاه دارند آنان به حقیقت رستگاران عالم اند.

۱۷-۲. محبت دنیای زودگذر

«كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ» (سوره قیامت، آیه ۲۰)؛ «هرگز، بلکه شما (کافران لجوج) تمام دنیای نقد عاجل را دوست دارید».

۱۸-۲. دوستی ثروت

«وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا» (سوره فجر، آیه ۲۰)؛ «و سخت فریفته و مایل به مال دنیا هستید (و) به ثواب آخرت هیچ نمی پردازید».

باتوجه به آیات مذکور در رابطه با محبت معلوم می شود که محبت دنیا مورد مذمت قرار گرفته و محبت خدا و اولیای او را مایه نجات دانسته است چنانچه به طور واضح نیز آمده است که: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» و همچنین معلوم می شود که محبت خدا در پرتوی اطاعت وی است و محبت اهل بیت علیهم السلام نیز از جمله فرامین الهی می باشد؛ چنانکه خداوند متعال محبت اهل بیت علیهم السلام معادل اجر رسالت قرار داده و می فرماید:

...قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى... (سوره شوری، آیه ۲۳): بگو:

من از شما اجر رسالت جز این نخواهم که مودّت و محبّت مرا در حقّ خویشاوندان
منظور دارید (و دوستدار آل محمّد باشید که این اجر هم به نفع امت و برای هدایت
یافتن آنهاست)

باتوجه به مطالب مذکور معلوم می‌شود که قطعاً محبت و ولایت اهل بیت رسول (ص) دارای
اهمیت و آثار گوناگونی در دنیا و آخرت دارد و برخی از آنها در عناوین بعدی مورد بیان قرار می‌گیرد.

۳- اهمیت محبت اهل بیت (ع) از منظر روایات

امام باقر (ع) فرمودند: «اسلام بر پنج چیز بنا شده است: بر نماز و زکات و روزه و حج و ولایت
و به هیچ چیزی به اندازه ولایت ما اهل بیت (ع) فراخوانده نشده است» (کلینی، الکافی، ج ۲،
ص ۱۸). رسول خدا (ص) فرمودند: «هر چیزی اساس و پایه‌ای دارد و اساس اسلام، دوست داشتن
ما اهل بیت است» (همان، ج ۲، ص ۴۶).

امام باقر (ع) فرمودند: «محبت ما اهل بیت، نظام دین است» (طوسی، امالی، ص ۲۹۶،
ج ۸۲). امام باقر (ع) فرمودند: «هر که می‌خواهد بداند که اهل بهشت است یا نه دوستی و
محبت ما را به قلبش عرضه کند؛ اگر آن را پذیرفت، مؤمن است» (کامل الزیارات، ص ۱۹۳).

حارث همدانی: ظهر یکی از روزها نزد امام علی علیه السلام رفتم، حضرت پرسید: چه
چیز تو را به اینجا کشاند؟ عرض کردم: به خدا قسم، علاقه به شما! حضرت فرمودند: اگر
راست بگویی بی‌گمان مرا در سه جا خواهی دید: آن جا که جانت به گلویت رسد، در کنار
صراط و در کنار حوض (کوثر). (الدعوات، ص ۲۴۹). رسول خدا (ص): «پروردگارم با من عهد
بسته است که ایمان هیچ بنده‌ای را نپذیرد؛ مگر با دوستی اهل بیت» (حکمت نامه‌ی پیامبر (ص)،
ج ۱۲، ص ۲۲۴). رسول خدا (ص): «نخستین چیزی که در (روز قیامت) درباره‌ی آن از بنده
می‌پرسند، دوستی ما اهل بیت است» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۷۹)

رسول خدا (ص): «دوست داشتن ما اهل بیت، گناهان را پاک می‌کند و حسنات را دوچندان
می‌سازد» (همان، ج ۶۵، ص ۱۰۰).

۴. شرایط ارزشمندی محبت اهل بیت علیهم السلام

دوست داشتن خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام، همان گونه که گذشت، از ارزش بسیاری برخوردار است و پیامدهای عالی بسیار دارد، ولی آیا هر محبتی به ایشان دارای چنین ارزشی است؟ در پاسخ می‌توان گفت که اگر صادقانه، واقعی و خالص باشد. ارزشمند است و در غیر این صورت فاقد ارزش است زیرا در حقیقت، محبت به محبوب نیست، بلکه صورت و شکل محبت را دارا است. اما محبت واقعی به اهل بیت علیهم السلام چه شرایطی دارد؟ در این باره می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۴-۱. دوست داشتن برای خدا

گاه انسان فرد بزرگی را از جهت دوست دارد که خواسته‌های مادی اش را برآورده می‌کند که در این صورت محبت او به واسطه اغراض مادی خودش به آن فرد، تعلق می‌گیرد و این خواسته‌های مادی است که محبوب واقعی او است و به عبارت روشن‌تر او برای رفع نیازهایش به آن فرد بزرگ دل بسته است و در غیر این صورت، محبتی به آن فرد ندارد. اما گاه علاقه و محبت به یک فرد بزرگ - اگرچه از کرم و بخششی که در حق انسان کرد. پدیدآمده باشد. برای تأمین خواسته‌های خویش نیست، اگرچه خواسته‌هایش را از او بطلبید، بلکه او را به خاطر عظمت وجود، خصال انسانی - الهی و اخلاق کریمانه‌اش دوست دارد. حال روشن است که محبت واقعی از سنخ دوم است.

بر طبق نقل امام علیه السلام فرمود:

عَنْ بَشْرِ بْنِ غَالِبٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام قَالَ: مَنْ أَحَبَّنَا لِلَّهِ وَرَدْنَا نَحْنُ وَهُوَ عَلَيَّ نَيْنَا عليه السلام هَكَذَا وَضَمَّ أَصَابِعَهُ وَ مَنْ أَحَبَّنَا لِلدُّنْيَا فَإِنَّ الدُّنْيَا تَسْعُ الْبَرَّ وَالْفَاجِرَ

(طوسی، امالی، ص ۲۵۳، ح ۴۵۵)؛ هر کس ما را برای خدا دوست بدارد، ما و او بر پیامبران این گونه وارد می‌شویم، و دو انگشتش را به هم چسباند، و هر کس ما را برای دنیا دوست بدارد پس همانا دنیا برای نیک و بد وسعت دارد.

چنان که پیدا است، ملازمت با اهل بیت علیهم السلام در ورود بر پیامبر صلی الله علیه و آله در روز قیامت، فقط برای محبتی است که برای خدا باشد، زیرا چنین محبتی واقعی است که از معرفت، اگرچه ناقص،

به مقام والا و جلالت شأن ایشان نشأت گرفته باشد. چنین محبتی است که ارزشمند بوده و پیامدهای عالی به ارمغان می آورد. آن‌ها که اهل بیت (علیهم السلام) را فقط برای رفع نیازهای مادی خویش دوست می دارند، از پیامدهای بی بهره خواهند بود.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

مَنْ أَحَبَّنَا لِلَّهِ وَ أَحَبَّ مُجِبَّنَا لَا لِعَرَضٍ دُنْيَا يَصِيحُهَا مِنْهُ وَ عَادَى عَدُوَّنَا لَا لِإِحْنَةٍ كَانَتْ بَيْنَهُ وَ بَيْنَهُ ثُمَّ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ عَلَيْهِ مِنَ الذُّنُوبِ مِثْلُ رَمْلِ عَالِجٍ وَ زَبَدِ الْبَحْرِ غَفَرَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ (طبری، بشاره المصطفی، ص ۸۹)؛ «هر کس ما را و دوست ما را دوست بدارد، نه برای هدفی دنیایی که به آن برسد و با دشمنان ما دشمن باشد، نه به سبب کینه‌ای که بین او و آن دشمن است، سپس روز قیامت بیاید و بر دوشش گناहانی به مانند تپه‌ای از شن و کف دریا باشد، خدای تعالی او را می آمرزد.

روایت شده نوجوانی که هنوز به سن بلوغ نرسیده بود، به پیامبر (صلی الله علیه و آله) سلام کرد و چهره اش گشاده شد و لبخند زد: پس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به او فرمود:

أَتُحِبُّنِي يَا فَتَى فَقَالَ أَيْ وَاللَّهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ لَهُ مِثْلَ عَيْنِكَ فَقَالَ أَكْثَرَ فَقَالَ مِثْلَ أَبِيكَ فَقَالَ أَكْثَرَ فَقَالَ مِثْلَ أُمِّكَ فَقَالَ أَكْثَرَ فَقَالَ مِثْلَ نَفْسِكَ فَقَالَ أَكْثَرَ وَاللَّهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ أَمْثَلَ رَبِّكَ فَقَالَ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَيْسَ هَذَا لَكَ وَ لَا لِأَحَدٍ فَإِنَّمَا أَحْبَبْتُكَ لِحُبِّ اللَّهِ فَالْتَفَتَ النَّبِيُّ إِلَى مَنْ كَانَ مَعَهُ وَ قَالَ هَكَذَا كُونُوا أَحِبُّوا اللَّهَ لِأَحْسَانِهِ إِلَيْكُمْ وَ إِنْعَامِهِ عَلَيْكُمْ وَ أَحْبُّونِي لِحُبِّ اللَّهِ (دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۶۱)؛ «ای جوان! مرا دوست داری؟ گفت: آری به خدا ای رسول خدا، فرمود: مانند دو چشمت؟ گفت: بیشتر. فرمود: مانند مادرت؟ گفت: بیشتر. فرمود: مانند جانت؟ گفت: به خدا بیشتر ای رسول خدا. فرمود: آیا مانند پروردگارت؟ گفت: خدا را، خدا را، خدا را، ای رسول خدا این مقام نه برای هیچ کس دیگر. پس من تو را فقط برای دوست داشتن خدا دوست دارم. پس پیامبر (صلی الله علیه و آله) به همراهان خود روی کرد و فرمود: اینگونه باشید، خدا را برای احسان و انعامش به خودتان دوست بدارید و مرا برای دوستی خدا دوست بدارید.

۲-۴. دوست نداشتن دشمنان

محب واقعی اهل بیت علیهم السلام نمی تواند دوست دار دشمن ایشان باشد، بلکه از آن ها متنفر است، زیرا برای او، دشمن اهل بیت علیهم السلام یعنی کسی که او دوست می دارد و این مهر و علاقه وقتی واقعی باشد، نفرت از دشمن محبوب را به بار می آورد. میثم تمار که از اصحاب خاص امیر مؤمنان علیه السلام است و جان خود را در راه حب حضرتش تقدیم کرد، می گوید: شبی را نزد امیر مومنان علی بن ابی طالب علیه السلام بودیم و او برای ما می فرمود:

وَلَنْ يَحِبَّنَا مَنْ يَحِبُّ مُبْغِضَنَا، إِنَّ ذَلِكَ لَا يَجْتَمِعُ فِي قَلْبٍ وَاحِدٍ وَ «مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرِجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ (سوره احزاب، آیه ۴) يَحِبُّ بِهَذَا قَوْمًا، وَ يَحِبُّ بِالْآخَرِ عَدُوَّهُمْ، وَ الَّذِي يَحِبُّنَا فَهُوَ يَخْلِصُ حُبَّنَا كَمَا يَخْلِصُ الذَّهَبُ لَا غِشَّ فِيهِ (طوسی، امالی، ص ۱۴۸، ح ۲۴۳)؛ «و هر گز دوست ندارد ما را کسی که دشمن ما را دوست بدارد. همانا آن در یک دل جمع نمی شود (خداوند برای هیچ کس، دو دل در درون، قرار نداده است) که با دلی، گروهی را دوست بدارد و با دل دیگر، دشمنان آن گروه را دوست بدارد. کسی که ما را دوست می دارد، پس دوستی ما را در دل خالص گرداند، چنان که طلا خالص می شود به گونه ای که هیچ ناخالصی و شایبه ای در آن نباشد.

گویند مردی نزد امیر مؤمنان علیه السلام آمد و گفت: ای امیر مؤمنان علیه السلام! همانا من تو را دوست دارم و فلان کس را هم دوست دارم (در حالی که نام یکی از دشمنان امیر مؤمنان علیه السلام را برد) حضرت فرمود: «أَمَّا الْآنَ فَأَنْتَ أَعُورٌ، فَإِمَّا أَنْ تَعْمَى أَوْ تَبْصُرَ» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۵۸، ح ۱۷)؛ «اما تو اکنون لوچ و دو بین هستی. پس یا کور باش (فقط دشمن ما را دوست بدار) یا بینا باش (فقط مر دوست بدار)».

کلام امام کنایه از آن دارد که نمی شود دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام را با دوست داشتن دشمن او در یک دل جمع کرد و اگر کسی چنین تصویری داشته باشد، به پندار مبتلا شده است.

بنابراین برای تعیین میزان ارزشمندی محبت به اهل بیت علیهم السلام و آزمایش حقیقی بودن یا نبودن آن، می توان به محبت دیگران در دل توجه کرد. اگر محبت دشمنی از دشمنان ایشان (با آگاهی از دشمنی او) در دل یافت شد، محبت به اهل بیت علیهم السلام واقعی نبوده و بی ارزش است.

۳-۴. بیزاری جستن از دشمنان و دشمن با آنها

پیدایی محبت واقعی به اهل بیت علیهم السلام افزون بر بیرون کردن محبت دشمنان او از دل به پیدایی نفرت و بیزاری جستن از آنها نیز نیاز دارد. دوست واقعی کسی است که از دشمنان محبوبش متنفر باشد و انزجار خویش را (در صورت نبودن مانع) ابراز کند. گویند به امام صادق علیه السلام عرضه شد که فلان کس شما را دوست دارد. ولی در بیزاری جستن از دشمن شما ضعیف است، پس امام علیه السلام فرمود:

«هِيَاهُ كَذَبٌ مِّنْ ادْعَى مَحَبَّتَنَا وَ لَمْ يَتَبَرَّ مِنْ عَدُوَّنَا» (همان، ج ۲۷، ص ۵۸، ح ۱۷)؛ «دور باد (چه بد)! دروغ می‌گویند کسی که ادعای محبت ما دارد در حالی که از دشمن ما بیزاری نجسته است».

کسانی که به اهل بیت علیهم السلام ستم روا داشتند و حق ایشان را پایمال کردند، باید مورد بیزاری دوست داران ایشان قرار گیرند. تبری از دشمنان اهل بیت علیهم السلام از اصول مهم احکام و فروع دین است. امام صادق علیه السلام فرمود:

وَالْبَرَاءَةُ مِنَ أَعْدَائِهِمْ وَاجِبَةٌ وَمِنَ الَّذِينَ ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ علیهم السلام وَ هَتَكُوا حِجَابَهُ فَأَخَذُوا مِنْ فَاطِمَةَ عَ فَدَكَ وَ مَنَعُوهَا مِيرَاثَهَا وَ غَضَبُوهَا وَ زَوَّجَهَا حُفُوفَهُمَا وَ هُمُّوا بِإِخْرَاقِ بَيْتِهَا وَ أَسَسُوا الظُّلْمَ وَ غَيَّرُوا سُنَّةَ رَسُولِ اللَّهِ وَ الْبَرَاءَةُ مِنَ النَّكَائِثِ وَ الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ وَاجِبَةٌ وَ الْبَرَاءَةُ مِنَ الْأَنْصَابِ وَ الْأَزْلَامِ أُمَّةِ الضَّلَالِ وَ قَادَةَ الْجَوْرِ كُلِّهِمْ أَوَّلِهِمْ وَ آخِرِهِمْ وَاجِبَةٌ وَ الْبَرَاءَةُ مِنَ أَشَقَى الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ شَقِيقِ عَاقِرِ نَاقَةٍ تُمُودَ قَاتِلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام وَاجِبَةٌ وَ الْبَرَاءَةُ مِنْ جَمِيعِ قَتْلَةِ أَهْلِ الْبَيْتِ علیهم السلام وَاجِبَةٌ» (صدوق، الخصال ج ۲ ص ۶۰۷). و بیزاری جستن از دشمنان ایشان (اولیای خدا) و همچنین بیزاری از کسانی که به آل محمد علیهم السلام ستم نموده و پرده حرمت آنها را دریده و فدک را از حضرت زهرا علیها السلام ربوده و او را از میراثش بازداشته و حقوق او و همسرش را غصب کردند و به سوزاندن خانه‌اش همت گماشتند و ستم را تأسیس کرده و سنت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را دگرگون ساختند، واجب است و بیزاری از پیمان‌شکنان، بی‌دادگران و خارج‌شوندگان از دین واجب است. و بیزاری از بت‌ها، قمارها، و از همه پیشوایان گمراهی و رهبران ستم، از اول تا آخرشان واجب است و

بیزاری از بدبخت‌ترین پیشینیان و پسینیان، برادر پی‌کننده ناچه نمود یعنی کشته‌شده امیر مؤمنان علیه السلام واجب است. و بیزاری از همه کشتندگان اهل بیت علیهم السلام واجب است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله دشمنی خود با دشمنان اهل بیتش را به جابر بن عبدالله انصاری اعلام فرمود و خدا را برای دشمنی گواه گرفت که این خودتعلیمی از حضرتش صلی الله علیه و آله به امت خویش است، به این معنا که پیروان رسول خدا صلی الله علیه و آله همچون حضرتش شایسته است که با دشمنان اهل بیتش علیهم السلام دشمن باشند. جابر از حضرت صلی الله علیه و آله درباره علی علیه السلام، فاطمه علیه السلام، حسن علیه السلام، حسین علیه السلام پرسید و رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از پاسخ فرمود: «أَشْهَدُ لِلَّهِ أَنِّي حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَهُمْ» (مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۷۶، ح ۴۳)؛ «خدا را گواه می‌گیرم که همانا من در جنگ و مخالفت با کسانی که با ایشان در جنگ باشند...»

۴-۴. دوست داشتن دوستان

زمانی که انسان کسی را به واقع دوست بدارد، نمی‌تواند با دوست داران او دشمنی کند و نه فقط نمی‌تواند با آنها دشمنی کند، که نمی‌تواند نفرت آن‌ها را هم در دل داشته باشد. پس باوجود نفرت و دشمنی از دوستان کسی که دوستش دارد، باید در واقعی بودن دوستش خود شک کند. قلب محب حضرات اهل بیت علیهم السلام به محبان ایشان گرایش دارد و به واسطه محبت ایشان علیهم السلام محبانشان را نیز دوست می‌دارد. امیر مؤمنان علی علیه السلام به یکی از یارانش به نام حبیب بن معتمر فرمود:

يَا حَبِيبُ مَنْ سَرَّهَ أَنْ يَعْلَمَ أَمْ مُحِبٌّ لَنَا أَمْ مُبْغِضٌ فَلْيَمْتَحِنْ قَلْبُهُ فَإِنْ كَانَ يُحِبُّ وَلِيًّا
لَنَا فَلَيْسَ بِمُبْغِضٍ لَنَا وَإِنْ كَانَ يَبْغِضُ وَلِيًّا لَنَا فَلَيْسَ بِمُحِبٍّ لَنَا (مجلسی،
بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۵۳، ح ۶)؛ «ای حبیب! هر کس از دانستن این که دوست ما
است یا دشمن ما، شاد می‌شود. پس قلبش را بیازماید اگر دوست دار ما را دوست
دارد، دشمن ما نیست و اگر از دوست دار ما بیزار باشد، پس دوست ما نیست...».

۴-۵. ابراز دوستی به اهل بیت علیهم السلام

محبی که از آشکار ساختن محبتش با کمترین هراسی استتکاف کند، محب راستین نیست.

دوست دار واقعی آن است که در هیچ شرایطی از ابراز محبتش دریغ نکند، مگر آنکه خداوند بر پنهان ساختن آن فرمان داده باشد که در این صورت برای اطاعت از فرمان خدا است که از ابراز محبت خودداری می‌شود و این پنهان کاری از ضعف محبت حکایت نمی‌کند. امام رضا (علیه السلام) چنان که گذشت، در نکوهش کسانی که خود را شیعه خوانده بودند فرمود: «و تتقون حیث لا تجب التقیه» حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۱۷، ح ۲۱۴۰۰؛ «و تقیه می‌کنید جایی که تقیه واجب نیست».

به امام صادق (علیه السلام) گفته شد که عمار دهنی، از اصحاب امام (علیه السلام) امروز نزد (ابن ابی لیلی) قاضی کوفه شهادتی داد. قاضی به او گفت: عمار بلند شو ما تو را می‌شناسیم و شهادت را نمی‌پذیریم چرا که تو از رافضیان هستی. عمار در حالی که هیجان زده می‌لرزید و گریه او را فراگرفته بود، بلند شد. ابن ابی لیلی (با دیدن این منظره) گفت: تو مردی از اهل دانش و حدیث هستی، اگر از این که رافضی نامیده شوی بدت می‌آید، پس از رافضی بودن بیزاری جو که تو از برادران ما هستی. عمار به او گفت: به خدا سوگند که به آن چه تو پنداشتی، نگراییدم و لکن بر تو و بر خودم گریستم. اما گریه بر خودم از این رو است که رتبه گرامی و والایی را به من نسبت دادی که من شایسته آن نیستم. گمان کردی من رافضی هستم. وای بر تو {امام صادق (علیه السلام) مرا این گونه حدیث فرمود که نخستین کسانی که رافضی نامیده شدند ساحرانی بودند که وقتی آیت موسی را در عصایش مشاهده کردند به او ایمان آورده و تابعش شدند و از فرمان فرعون بازگشتند (سرپیچی کردند) و به هر چه بر ایشان نازل شد تسلیم شدند. پس فرعون آن‌ها را رافضه نامید، چون از دین او باز گشتند. پس رافضی کسی است که از تمام اموری که خداوند از آن‌ها ناخشنود است، روی بر تافته و باز گردد و هر آن چه را دستور داده است انجام دهد. پس در این زمان چه کسی این گونه است؟ و اگر بر خودم گریه نکنم می‌ترسم خدا بر قلبم آگاه شود در حالی که این اسم شریف را لقب من ساختی، پس پروردگارم عذابم کند که ای عمار! آیا تو نسبت به امور باطل رافضی هستی و به اطاعت‌ها عامل هستی، همان گونه که به تو نسبت دادند؟ و این از درجات من بکاهد و سبب عقاب شدیدی برای من شود مگر آن که سروران من با شفاعتشان جبران کنند و اما گریه ام بر تو به خاطر دروغ بزرگ است که در منسوب کردن

من به این نام (رافضی) مرتکب شدی و دلسوزی شدید من برای تو از این رو است که با نسبت دادن شریف ترین اسم‌ها به من، به عذاب خدا گرفتار می‌شوی اگرچه بو این نام را از پست ترین نام‌ها بدانی، چگونه جسم تو بر عذاب گفتارت صبر خواهد کرد؟
امام صادق (ع) پس از این فرمود:

لو أن علی عمار من الذنوب ما هو أعظم من السماوات والأرضین لمحیت عنه بهذه الکلمات وإنها لتزید فی حسناته عند ربه عزوجل حتی یجعل کل خردلة منها أعظم من الدنيا ألف مرة» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۱۵۶، ح ۱۱)؛ اگر عمار گناهانی بزرگ تر از آسمانها و زمین‌ها بر گردن داشته باشد با این کلمات همه آن‌ها محو و نابود شد و همانا نیکی هایش به اندازه‌ای نزد پروردگارش عزوجل فزونی یابد که هر ذره‌ای از آن هزار برابر برتر از دنیا قرار داده خواهد شد.

۴-۶. اطاعت از خدا

اهل بیت (ع) بنده خالص خدا و ماموران هدایت بشر به بندگی و اطاعت از خدایند، پس کسی به واقع می‌تواند مدعی دوستی با آنان باشد که بنده و مطیع خدا باشد و هر کس راه عصیان و سرکشی از فرامین الهی را پیش گیرد، نه فقط دوست اهل بیت (ع) نیست که می‌توان او را دشمن ایشان نامید.

امیرمؤمنان علی (ع) فرمود:

إِنَّ وَلِيَّ مُحَمَّدٍ (ص) مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ وَإِنْ بُعِدَتْ لُحْمَتُهُ وَإِنْ عَدُوٌّ مُحَمَّدٍ (ص) مَنْ عَصَى اللَّهَ وَإِنْ قُرِبَتْ قَرَابَتُهُ (صبحی صالح، نهج البلاغه، ص ۴۸۴، حکمت ۹۶)؛ همانا دوست محمد کسی است که خدا را اطاعت کند، اگرچه خویشاوندی اش دور باشد و دشمن محمد کسی است که از خدا نافرمانی کند اگرچه خویشاوند نزدیک او باشد.

این معیار برای دوست و دشمن معیاری است که رسول خدا (ص) خود پس از فتح مکه و چیرگی بر قلب جزیره العرب بیان فرمود تا کسی به سبب خویشاوندی با او، برتری نجوید و به ستم نگراید.

لَمَّا فَتَحَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مَكَّةَ قَامَ عَلَى الصَّفَا فَقَالَ يَا بَنِي هَاشِمٍ يَا بَنِي عَبْدِ

الْمُطَّلِبِ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ وَإِنِّي شَفِيقٌ عَلَيْكُمْ لَا تَقُولُوا إِنَّ مُحَمَّدًا مِّنَّا فَوَ اللَّهُ مَا أَوْلِيَانِي مِنْكُمْ وَلَا مِنْ غَيْرِكُمْ إِلَّا الْمُتَّقُونَ أَلَا فَلَا أَعْرِفُكُمْ تَأْتُونِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَحْمِلُونَ الدُّنْيَا عَلَى رِقَابِكُمْ وَيَأْتِي النَّاسُ يَحْمِلُونَ الْآخِرَةَ أَلَا وَإِنِّي قَدْ أَعَذَرْتُ فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَفِيمَا بَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَبَيْنَكُمْ وَإِنِّي لى عَمَلِي وَلَكُمْ عَمَلَكُمْ (صدوق، صفات الشيعه، ص ۵، ح ۸)؛ زمانی که رسول خدا ﷺ مکه را فتح کرد. بر صفا ایستاد و فرمود: ای بنی هاشم! ای بنی عبدالمطلب! همانا ما فرستاده خدا به سوی شما و دلسوز شما هستم، نگوئید که محمد از (قبیله و خاندان) ما است. پس شما را نخواهم شناخت آن گاه که روز قیامت بار دنیا را به دوش بکشید در حالی که مردم بار آخرت را بر دوش دارند. هوشیار باشید، همانا من از آن چه که بین شما و بین خداوند عزوجل و شما است. پوزش می‌خواهم و همانا عمل من برای من و عمل شما برای شما خواهد بود.

فرمان‌برداری از خدا به اندازه‌ای مهم و ارزشمند است که فرمان‌بردار را در شمار اهل بیت پیامبر ﷺ وارد می‌سازد، اگرچه از خون و گوشت آن‌ها نباشد و نا فرمان را از جمعشان خارج سازد، اگرچه از خویشانشان باشد.

۴-۷. اطاعت و پیروی از اهل بیت (ع)

محبت واقعی پیروی از محبوب را نیز در پی خواهد داشت. به نظر به معنا است که کسی اهل بیت (ع) را دوست بدارد، ولی در هیچ امر از آن‌ها پیروی نکند. اگرچه امکان تخلف از برخی فرامین در برخی اوقات برای شخص محب ممکن است ولی کمال محبت به اطاعت بی چون و چرا و پیروی کامل بستگی دارد. همین از آن جا محب واقعی اهل بیت (ع) چنان که گذشت، باید مطیع خدا باشد و از فرامین او تخلف نکند و از آن جا که اهل بیت (ع) اولیای خداوند و از سوی او مقام سرپرستی بر امت مسلمان را دارا می‌باشند، پس محب واقعی ایشان کسی خواهد بود که به حکم خدا از ایشان در فرامینشان اطاعت و در کردارشان پیروی کند. امیر مؤمنان علی (ع) ضمن توصیه به پیروی از رسول خدا ﷺ او را سر مشقی برای طالبان سر مشق معرفی کرده و محبوب ترین بندگان نزد خدا را پیروان پیامبر ﷺ می‌داند، آن جا که می‌فرماید:

فَتَأْسَ بِنَبِيِّكَ الْأَطْيَبِ الْأَطْهَرِ ص فَإِنَّ فِيهِ أَسْوَةَ لِمَنْ تَأَسَى وَ عَزَاءَ لِمَنْ تَعَزَّى وَ أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ الْمُتَأَسَّى بِنَبِيِّهِ وَ الْمُفْتَضِّلُ لِأَثَرِهِ قَضَمَ الدُّنْيَا قَضْمًا وَ لَمْ يَعْرِهَا طَرَفًا أَهْضَمَ أَهْلُ الدُّنْيَا كَشْحًا وَ أَحْمَضُهُمْ مِنَ الدُّنْيَا بَطْنًا عُرِضَتْ عَلَيْهِ الدُّنْيَا فَأَبَى أَنْ يَقْبَلَهَا وَ عَلِمَ أَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَبْغَضَ شَيْئًا فَأَبْغَضَهُ وَ حَقَّرَ شَيْئًا فَحَقَّرَهُ وَ صَغَّرَ شَيْئًا فَصَغَّرَهُ وَ لَوْ لَمْ يَكُنْ فِينَا إِلَّا حُبُّنَا مَا أَبْغَضَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ تَعَظَّمْنَا مَا صَغَّرَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ لَكَفَى بِهِ شِقَاقًا لِلَّهِ وَ مُحَادَّةً عَنْ أَمْرِ اللَّهِ (صبحی صالح، نهج البلاغه، ص ۲۲۷، خطبه ۱۶۰)؛ پس به پیامبر پاکیزه و پاکت اقتدا کن که راه و رسم او الگویی برای الگو طلبان است و مایه فخر و بزرگی است برای کسی که خواهان بزرگواری باشد و محبوب ترین بنده نزد خدا کسی است که از پیامبرش پیروی کند و گام بر جایگاه قدم او نهد. پیامبر ﷺ از دنیا چندان نخورد که دهان را پر کند و به دنیا با گوشه چشم نگریست، دو پهلویش از تمام مردم فرو رفته تر و شکمش از همه خالی تر بود، دنیا را به او نشان دادند اما نپذیرفت و چون دانست خدا چیزی را دشمن می دارد آن را دشمن داشت و چیزی را که خدا خوار شمرده، آن را خوار انگاشت و چیزی را که خدا کوچک شمرده کوچک و ناچیز می دانست. اگر در ما نباشد جز آن که آن چه را خدا و پیامبرش دشمن می دارند، دوست بداریم، یا آن چه را خدا و پیامبرش کوچک شمارند، بزرگ بداریم، برای نشان دادن دشمنی ما با خدا و سر پیچی از فرمان های او کافی بود.

نتیجه

دوستی و محبت با اهل بیت اطهار ﷺ مورد تأکید بسیار توسط قرآن کریم و احادیث پیامبر اکرم ﷺ و ائمه معصومین ﷺ قرار گرفته است و این دوستی و محبت در دنیا و آخرت فوائد و آثار زیادی از جمله پیدایش زهد - ورع - توکل، تجدید و تکمیل ایمان، توفیق توبه، حفظ و تصحیح باور، حفظ وحدت و غیره دارد و همچنین ارزشمندی بسیار بالایی برخوردار است؛ زیرا این محبت به اهل بیت ﷺ وقتی فوائد و آثاری دارد که خالصانه و صادقانه باشد زیرا در حقیقت، محبت به محبوب نیست، بلکه صورت و شکل محبت را دارا است. همچنین از جمله شرایط ارزشمندی محبت به اهل بیت ﷺ، دشمن داشتن دشمنان و مخالفان

اهل بیت علیهم السلام و اظهار بیزاری از آنها است و نیز این دوستی وقتی معنی پیدا می کند که در عمل و رفتار نیز بروز و ظهور پیدا کند که مهم ترین روش آن اطاعت خداوند و پیروی از فرامین و اوامر خداوند متعال و خود اهل بیت علیهم السلام هست.

کتابنامه

قرآن کریم

- صبحی صالح، نهج البلاغه، دارالهجرة، قم، ۱۴۰۷ هـ.ق.
- آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، نشر نی، تهران، ۱۳۸۱ ش.
- ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، جامعه مدرسين، قم، ۱۴۰۳ هـ.ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی، محمد، صفات الشيعه، اعلمی، تهران، بی تا.
- ابن قولویه قمی، کامل الزیارات، انتشارات مرتضوی، نجف، ۱۳۶۵ هـ.ق.
- احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، بی جا، ۱۳۴۷ ق.
- انصاری، خواجه عبدالله، منازل السائرین الی الحق المبین، تصحیح: محمد خواجهی، دارالعلم، تهران، ۱۴۱۷ هـ.ق.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التأویل، دارالفکر، بیروت، بی تا.
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة، مؤسسه آل البيت (علیه السلام) لاحیاء التراث، قم، ۱۴۰۹ هـ.ق.
- دیلمی، حسن بن محمد، ارشاد القلوب، شریف رضی، قم، ۱۴۰۹ هـ.ق.
- راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، تحقیق: صفوان عدنان الراوودی، ذوی القربی، بیروت، بی تا.
- رافعی، علی، محبت در قرآن و حدیث و تجلی آن در سیره نبوی و اقوال و احوال عارفان، نشر ادیان، چاپ اول، ۱۳۹۰ ش.
- راوندی، قطب الدین، الدعوات، مدرسه امام مهدی (عج)، قم، ۱۴۰۷ هـ.ق.
- سید جعفر مرتضی عاملی، اهل البيت فی آیه التطهیر.
- شیرازی (صدر المتألهین)، محمد بن ابراهیم، المبدأ و المعاد، تصحیح: سید جلال الدین آشتیانی، انجمن حکمت و فلسفه ایران، تهران، ۱۳۵۴ ش.
- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: سید محمد باقر موسوی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۴ ش.

- طبری، عماد الدین، **بشارة المصطفى**، کتابخانه حیدریه، نجف، ۱۳۸۳ هـ.ق.
- طوسی، محمد بن حسن، **الامالی**، دارالثقافة، قم-ایران، اول، ۱۴۱۴ هـ.ق.
- غزالی، ابو حامد، **احیاء علوم الدین**، دارالکتاب العربی، بیروت، بی تا.
- قشیری، عبدالکریم بن هوازن، **رساله قشیری**، تصحیح بدیع الزمان فروزانفر. انتشارات علمی فرهنگی تهران ۱۳۶۱ ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ هـ.ش.
- مجلسی، محمدباقر، **بحارالانوار**، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
- محمّدی ری شهری، **حکمت نامه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله**، دارالحديث، ۱۳۹۴ ش.

